

ہری تورنتون مور

ئی. ام. فارستر

مترجم

احمد میرعلائی



۱۳۹۴

فهرست مطالب

درباره نویسنده	نه
ئی. ام. فارستر	۱
کتاب‌شناسی گزیده	۷۷
آثار عمده فارستر	۷۹
نقد و نظر درباره آثار فارستر	۸۳
یادداشت مترجم	۸۵

ئی. ام. فارستر^۱

ئی. ام. فارستر پنج رمان نوشته است که دو عنوان آن‌ها اهمیت کلی دارد. آن قدر هم داستان کوتاه دارد که از آن‌ها بتوان «مجموعه»‌ای با حجم متوسط تهیه کرد؛ همچنین تعدادی کتاب و مقاله گوناگون که گاه به داستان‌نویسی مربوط می‌شود و گاه پژوهش‌های مستقل در زمینه‌های ادبی است. لب کلام در نوشته‌های مهم فارستر، شکست ابنای بشر است در برقرار کردن ارتباطی رضایت‌بخش با یکدیگر، ناتوانی آنان است برای درهم‌شکستن دیوارهای تعصب که بین آن‌ها قد کشیده است و ایجاد رابطه‌هایی متقابل که امکان آن‌ها چنین گسترده است. آثار او، اگر به آن‌ها شمول بیشتری دهیم، تاریخ بشر در عصر ماست.

1. E. M. Forster

همچنین سفرهای اولیه او را میسر ساخت: «و سفر، مرا به نوشتن راغب کرده است.» با این حال، پیش از ورود به دانشگاه، می‌بایست دوران رنج‌بار شاگرد روزانه بودن را در مدرسه تونبریج^۱ بگذراند؛ مدرسه‌ای که در چشم او مرکز بی‌عدالتی و ستم بود. شگفتی و آزادی کیمبریج نقطه مقابل و جایگاه شادی بخشی بود که شاید به بهترین وجه، در رمان فارستر، درازترین سفر^۲ (۱۹۰۷) و در زندگی نامه گولدزورثی لوز دیکینسون^۳ که به سال ۱۹۳۴ نوشت، نمایش داده شده است.

فارستر در اولین چهارسالی که در کیمبریج بود، از ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۱، دیکینسون را که شانزده سال از او بزرگ‌تر بود، نمی‌شناخت. فارستر قصد داشت با او درس بگیرد؛ اما اسکار برانینگ^۴، استاد چاق و تیزهوش تاریخ، با گفتن «تو باید پیش من بیایی» او را «قر زد». ^۵ استاد لاتینی و یونانی او، ناائیل ود،^۶ مرد پرحرارتی بود که فارستر به سال ۱۹۳۴، در زندگی نامه دیکینسون، درباره او می‌گوید: «این بیداری را که نصیبم شده است، بیشتر به او مدیونم. با در نظر گرفتن اوست که به بهترین وجه، می‌توانم

فارستر که کار خود را در آغاز این قرن جنگ‌ها آغاز کرد، از همان ابتدا، هم جدایی‌ها را میان مردم دید و هم دنیا‌های متفاوتی را که در آن زندگی می‌کنند. اما اگر آثار او پیامبرانه باشد، پیامبرانه به معنای دستوردهنده نیست. ارزش داستان‌های او بیشتر در تصویر چهره‌های مشخص مردم نهفته است. فارستر سخت به این اصل معتقد است که هر عضو جامعه بشری حق دارد در محدوده امنیت جامعه، تأنجا که می‌تواند، خودش باشد.

او در جایگاه هوادار آن نظام سیاسی که به هر یک از ما یگانگی ویژه خودمان را می‌بخشد، آماده است تا دمکراسی را تنها با دو «هورا» تجلیل کند: «دو هورا کافی است: هیچ دلیلی برای هورای سوم نیست. تنها عشق، آن جمهوری محبوب، شایسته آن است.» با این همه، آن جمهوری نمی‌تواند در فضای تعصب‌ها و تضادها، مؤثر عمل کند. فارستر در صفحه عنوان یکی از رمان‌های بسیار خوب خود، هورادز اند^۱ (۱۹۱۰) عبارتی نهاد که نماینده فلسفه شخصی خود اوست: «فقط بییوند.»

فارستر به سال ۱۸۷۹ پا به جهان گذاشت. پدرش معماری از اهل لندن بود و هنگامی که او دوساله بود، درگذشت. عمه بزرگش، ماریان ثورنتون^۲ که وقتی مرد فارستر هشت‌ساله بود، ارثیه‌ای برای او به جا گذاشت که تحصیلات و تفریحات دوران فراغت و

1. Tonbridge School 2. *The longest journey*

3. *Goldsworthy Lowes Dickinson*

4. Oscar Browning

۵. فریب‌دادن

6. Nathaniel Wedd

1. *Howards End*

2. Marianne Thornton